The article argues that both the United States and Iran must start direct talks in order to secure their national interests. The Republicans have trusts in Obama to establish this link on the US side whereas unity on the Iranian front seems to be lacking to push for direct negotiations. The author believes that this is the responsibility of the reformists in Iran to promote the idea and start negotiations with the Supreme Leader to reduce the international pressures against Iran and hence improve the living condition of ordinary citizens.

**نگاه اصلاح طلبانه به موضوع رابطه با آمریکا**

چکیده :این همه ویرانی که در حوزه اقتصاد و سیاست بر سرزمین مان ایران وارد شد و میلیون ها انسان را به زیر خط فقر کشانید در مجامع بین المللی جمهوری اسلامی را در انزوای حداکثری قرار داده ، فشار تحریم های هولناک اقتصاد کشوررا که یکی از نشانه های آن سقوط بهای پول ملی است در آستانه متلاشی شدن قرار داده است که برخی از چهره های اقتصادی مجلس جیره بندی توزیع کالا را برای ماه های آینده اجتناب ناپذیر می دانند و میزان فروش نفت ایران به نصف کاهش داد ! آیا هنوز هم حاکمیت اقتدارگرا نمی خواهند باور کنند جنگ بزرگی علیه جمهوری اسلامی رخ داده که حاصل تصمیمات ماجرا جویانه در عرصه سیاست خارجی بوده است ؟! ... هردو کشور برای تامین منافع ملی خود نیازمند برقراری ارتباط هستند ،به احتمال قوی درآمریکا جمهوری خواهان دست اوباما را باز خواهند گذاشت و در ایران اصلاح طلبان درصورت تمایل رهبری به ایجاد روابط با امریکا باید به حمایت ایشان در برقراری ارتباط با امریکا همت نمایند ، البته امید ما به یک چنین تغییری درسیاست کلی نظام همراه با خوش بینی است....

اسماعیل گرامی مقدم \*

این روزها پس از پیروزی قاطع باراک اوباما بر رقیب جمهوری خواه خود فضای سیاسی ایران را درمواجع با برنامه های روابط خارجه امریکا بیش از بیش تحت تاثیر قرار داده است ، بطوری که دیگر این روزها اگر راست یا دروغ گفته می شود فلان شخصیت سیاسی به امریکا رفته و مقدمات مذاکرات را آماده می کند و یا ضرورت تغییر در رویکرد نظام در روابط خود با امریکا را بیان می کند، دیگر از آن اتهام پراکنی ها نظیر وابستگی به اسرائیل و آمریکا، مرعوب شده، مزدوربیگانه و غیره…. خبری نیست و به خودی خود این فضای بوجود آمده حتی درمیان تندروهای اقتدار گرا نیز باید مغتنم شمرده شود .

روشن است طی سی سال گذشته فرصت سوزی های بسیاری توسط سیاستمداران ارشد کشوربرای اتلاف منافع ملی رقم خرد که می توانستند گره کور رابطه با امریکا را بگشایند ، گاه جناح چپ گاه جناح راست صرفا به این دلیل که نقش هریک دراین مذاکرات کمرنگ خواهد شد سیاست کلی نظام را دردست یازیدن به این امر مهم بر هم زدند ،اینک به نظر می رسد فرصت فرصت سوزی ها هم رو به فناست ، قطعا هنگامی که نامزد جمهوری خواه در ساعات اولیه شمارش آراء از باراک اوباما پیشی گرفته بود، بسیاری از حاکمان ایران دست بر دست مالیدن و التفاتی کردند ، افسوس ازفرصتی که پیش آمد و دست رئیس جمهور امریکا را به گرمی نفشردند!

پس از پیشی گرفتن آقای اوباما برخی هم نفس راحتی کشیدند، در محافل خصوصی زمزمه کردند ، که خطر از بیخ گوشمان گذشت! و انگاه که پیروزی نامزد دمکرات ها مسجل شد برخی از دوستان اصلاح طلب هم رفت و آمدهای برخی ازمشاورین رهبری به امریکا را ، به زعم خود بر ملا کردند ، مذاکره پنهانی و غیر شفاف را برخلاف منافع ملی خواندند ، به نظر می رسد که این شیوه را نمی توان مصداق اصلاح طلبی دانست و ما را از معیارهای اصلاح طلبی دور خواهد کرد، چرا که بر هیچ کسی پوشیده نیست سالها یکی از محورهای مورد تاکید جریان اصلاح طلبان از بین بردن دیوار بی اعتمادی میان ایران و امریکا بوده است ، بنابراین اگراین گمانه زنی ها درست باشد حال به هر دلیلی نظام قصد دارد با امریکا وارد مذاکره و برقراری ارتباط شود ما نبایستی پا بر آرمانهای اصلاح طلبی گذاشته و به بهانه شفاف نبودن مذاکرات و اقدامات دیپلماسی مانع کند شدن روند این تغییر اساسی در روابط با امریکا شویم از نظر یک ژورنالیست شفاف بودن یا نبودن مذاکره قابل درک است اما قطعا از منظر سیاسی اتفاقا برقراری هر نوع رابطه ای درهر سطحی بویژه در یک چنین ماجرای طولانی قهر، حداقل مقدمات آن آشتی ضرورت خواهد داشت محرمانه باشد و اگر مقصود ما شکستن قبح رابطه ایران و آمریکا باشد همین حفظ منافع ملی ایجاب می کند فعالان این عرصه تا حصول نتیجه با دقت درحفظ کلیدهای گشاینده ی برقراری روابط امریکا کوشا باشند، بعید می دانیم کسی در میان فعالان سیاسی اصلاح طلب و اصول گرا وجود داشته باشد که تصور کند علی رغم فشارهای بین المللی که وجود دارد رهبری تن به باج دهی و فروش منافع ملی نماید از سوی دیگر آنهایی هم که اصلاح طلبان را در روزهای گذشته متهم کرده اند که درمقابل غرب درجریان پرونده هسته ای مرعوب شده بودند ! و پیش بینی شان از حمله امریکا و غرب از سال ۷۹ تا کنون غلط از کار در آمد واز همین جهت حکومت را تشویق می کنند که همین سیاست خصومت با امریکا را ادامه دهند باید گفت پیش بینی اصلاح طلبان هرگز غلط از آب در نیامد اصلاح طلبان به درستی دغدغه و نگرانی از حمله امریکا و غرب را متذکر می شدند چه جنگی نظامی بالاتر ازاین جنگ اقتصادی از سال ۷۹ علیه ما بایستی اتفاق می افتاد تا بیش از این خساراتی که به منابع کشور وارد شد وارد می شد !

این همه ویرانی که در حوزه اقتصاد و سیاست بر سرزمین مان ایران وارد شد و میلیون ها انسان را به زیر خط فقر کشانید در مجامع بین المللی جمهوری اسلامی را در انزوای حداکثری قرار داده ، فشار تحریم های هولناک اقتصاد کشوررا که یکی از نشانه های آن سقوط بهای پول ملی است در آستانه متلاشی شدن قرار داده است که برخی از چهره های اقتصادی مجلس جیره بندی توزیع کالا را برای ماه های آینده اجتناب ناپذیر می دانند و میزان فروش نفت ایران به نصف کاهش داد ! آیا هنوز هم حاکمیت اقتدارگرا نمی خواهند باور کنند جنگ بزرگی علیه جمهوری اسلامی رخ داده که حاصل تصمیمات ماجرا جویانه در عرصه سیاست خارجی بوده است ؟!

متاسفانه محصول عملکرد جریان حاکم نمادی از بی خبری و یا جهل آنها از واقعیات حاکم بر جهان کنونی است ، از بیست سال گذشته شکل جنگ ها تغییر و تحولات بسیاری کرده ، محتوا و نتایج جنگ ها همان است که درجنگ های نظامی بوجود می آید .

از این رهگذر بی تردید برقراری رابطه با امریکا دارای فواید بسیاری برای ایران و جمهوری اسلامی خواهد داشت که به برخی از آنها بطور اختصار می توان اشاره کرد:

۱- برقراری رابطه با امریکا در وحله اول کشور را از تحریم های فلج کننده دور خواهد کرد و بیش از این فشارهای بر مردم و حکومت افزایش نخواهد یافت .

۲- کاهش تحریم های بین المللی آغاز خواهد شد و مجددا اقتصاد ایران پس از تحمل این فشارها تنفس لازم را برای رشد و بالندگی آغاز خواهد کرد.

۳- به محض برقراری رابطه ایران و امریکا بسیاری از کشورهایی که با اکراه زیر بار اجراء تحریم ها رفتن و حتی آنهای که با اشتیاق رای به تحریم ها دادند دربرقراری ارتباط با ایران رقابت سختی را خواهند داشت و این امر باعث فرصت فاخری برای دیپلماسی خارجی خواهد شد .

۴- اینک که ما ملتمسانه از کشورهای نظیر چین و ژاپن و هند تقاضای واگذاری کالا به هرقیمتی که آنها می خواهند می کنیم و در قبال آن به آنها یوان ، ین و روپیه را پرداخت می کنیم با برقراری رابطه ایران با امریکا و بازگشت درآمدهای حاصل از فروش نفت ، این ایران خواهد بود که بر سر خرید کالا های وارداتی برسر این کشورها منت گذارده و دلار پرداخت خواهد کرد .

۵- بعد از کاهش تحریم ها صادرات کشور جان تازه ای خواهد گرفت چرا که کشورهای تحریم کننده برای برقراری ارتباط با ایران مقدماتی را محتاج خواهند بود که قطعا یکی از آنها بازگشایی دروازه وارداتشان به کالاها و محصولات ایرانی خواهد شد .

۶- در رقابت پیش آمده بین کشورهای تحریم کننده بردوستی با ایران سرمایه های بسیاری از این کشورها جهت سرمایه گذاری بویژه در حوزه نفت و گاز باعث ورود میلیارها دلار به ایران خواهد شد.

۷- با برقراری رابطه ایران با امریکا نقش و جایگاه موضع گیری های سیاست خارجی درقبال کشورهایی نظیر عراق ، بحرین ، افغانستان ، لبنان و حتی عربستان از نظر مجامع بین المللی پر اهمیت و قابل درک و مورد حمایت خواهد شد .

۸- با برقراری رابطه ایران با امریکا ادعاهای مرزی برخی از کشورهای همسایه از جمله عمارت متحد عربی درخصوص جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک حاشیه ای و کمرنگ خواهد شد .

۹- احتمال حمله نظامی اسرائیل و یا امریکا برای از بین بردن زیر ساخت های هسته ای و پایگاه های نظامی و درنتیجه وارد شدن خسارات مالی و جانی عظیم برای همیشه خاتمه خواهد یافت .

۱۰- در یک چنین جایگاه بین المللی ایران قادر خواهد بود پس از ۵ تا ۱۰ سال آینده بدون هیچ گونه تنش و با برخورداری از اعتماد جهانی و داشتن ظرفیت های مالی و دانش فنی مدرن به عالی ترین اهداف هسته ای از منظر حاکمان جمهوری اسلامی دست خواهد یافت .

شش سال قبل در مقاله ای با عنوان پیامدهای مذاکره ایران و امریکا در روزنامه شرق به نکاتی از مزایای برقراری این روابط اشاره کردم که قطعا پس از گذشت شش سال دیگر به برخی از آن پیامدهای مثبت که از جمله جلوگیری از اتلاف منابع ، جلوگیری از صدور قطعنامه های زنجیره ای و جلوگیری از تحریم های بین المللی بود نمی توان دیگر اشاره کرد ، حاکمیت بایستی بر عامل زمان بعنوان نقش تعیین کننده دستاورد های داد و ستد امتیازات ، دربرابر برقراری رابطه ایران با امریکا دقت وافری نماید ، چرا که متلاشی شدن اقتصاد ایران و بدنبال آن شکنندگی نظم اجتماعی کنونی آنقدر در آستانه ی خط قرمز قرار گرفته است که نه تنها تحمل شش سال دیگر را نخواهد داشت بلکه آنهایی که در کاخ سفید مدیریت زمان را ثانیه به ثانیه درتصمیمات بین المللی خود اعمال می کنند یک چنین تصوری که چهار سال یعنی تا پایان دوره باراک اوباما این سیاست برقراری رابطه با ایران ادامه یابد تصوری دور از ذهن خواهد بود دلیل آن هم بسیار روشن است درصورتی که دمکراتها ظرف یکسال آینده از مذاکره با ایران دستشان خالی باشد و از طرفی تحریم ها ی شکننده باعث توقف فعالیت های هسته ای ایران نگردد، آنگاه هیچ گزینه ای جز حمله نظامی راهی دیگر نخواهد بود ! در هر دو صورت دمکرات ها برای انتخابات آتی پرونده سنگین شکست را زیر بغل خواهند داشت ، در یک چنین بازه زمانی کوتاهی که هردو کشور برای تامین منافع ملی خود نیازمند برقراری ارتباط هستند ،به احتمال قوی درآمریکا جمهوری خواهان دست اوباما را باز خواهند گذاشت و در ایران اصلاح طلبان درصورت تمایل رهبری به ایجاد روابط با امریکا باید به حمایت ایشان در برقراری ارتباط با امریکا همت نمایند ، البته امید ما به یک چنین تغییری درسیاست کلی نظام همراه با خوش بینی است و این یادآوری به جریان اصلاحات صرفا ” جهت زدودن اتهام علیه اصلاح طلبان است.

\* سخنگوی حزب اعتماد ملی

منبع: سحام نیوز

Source:

<http://www.kaleme.org/1391/09/06/klm-121684/>

Accessed: 07/04/13